

اعلامیه مطبوعاتی

پایان فصل تاریک اسلو فرا رسید

(ترجمه)

در حالی که صفحه سیاه اسلو در حال بسته شدن است، اسموتریچ با آغاز پروژه «E1» یا «شرق واحد»، عملاً پروژه دولت فلسطینی را به خاک سپرد؛ پروژه‌ای که به معنای تحقق طرح موسوم به «قدس بزرگ» و قطع ارتباط شمال کرانه باختری از جنوب آن است. این اقدام، همراه با سیاست‌های جاری رژیم یهود، همان ساختن «معازل» خفه‌کننده برای مردم کرانه است. پیش از این نیز تخریب اردوگاه‌ها در شمال کرانه آغاز شد و «آنروا» یک نهاد غیرقانونی اعلام گردید تا حتی نام و اثری از مسئله پناهندگان باقی نماند.

این سلسله اقدامات پیاپی تنها یک حقیقت را فریاد می‌زند: دیگر چیزی از توافق اسلو بر زمین باقی نمانده است؛ نه حتی شبی از دولتی فلسطینی، هر چند بی‌سلاح و بی‌حاکمیت!

دیگر از پرونده‌های موسوم به «رامحل نهایی» - قدس، مرزها و پناهندگان - چیزی برای مذاکره باقی نمانده است. جز خیانت تنازل سازمان آزادی‌بخش از بیشتر فلسطین و اعتراف باطل به «حق» یهود در این سرزمین، هیچ دستاوردی از اسلو برجا نیست.

جز هماهنگی امنیتی، که ضامن امنیت یهود و شهرک‌نشینان است و راه را برای تعامل ننگین نظام‌های هم‌دست با این رژیم غاصب گشوده، چیزی از اسلو باقی نمانده است. جز اجرای دستورکارهای یهود و آمریکا و اروپا در جنگیدن با مجاهدان، تغییر کتب درسی، زدودن ارزش‌های اسلام و جایگزین کردن مفاهیم کفر و صلح و همزیستی، چیزی از آن باقی نمانده است. جز غارت دارایی‌های مردم فلسطین به دست مقامات فاسد، تحمیل مالیات‌های کمرشکن و زنجیر بانکی بر گردنشان، چیزی باقی نمانده است!

با این همه و با وجود اعلام مکرر رژیم یهود مبنی بر اینکه هرگز اجازه تشکیل دولت فلسطینی را نخواهد داد و اینکه جایی برای تشکیلات خودگردان در غزه نیست، باز هم مزدوران سازمان به هر خدمتی جنگ می‌زنند تا شاید بقای خود را در غزه یا کرانه یا هر تکه باقی‌مانده از فلسطین تضمین کنند!

توافق اسلو را رژیم یهود دفن کرد و از آن جز آنچه به نفعش است نگذاشت و «دولت فلسطین» پیش از آنکه در رحم خیانت متولد شود، خفه شد. امروز وقت آن است که امت اسلام این فصل سیاه را با آخرین و تاریک‌ترین صفحه‌اش غزه و زخم‌هایش ببندد و صفحه تاریخ و جغرافیا را بگشاید.

در جغرافیا، فلسطین گوهر شام است؛ همان سرزمینی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در شب معراج به آن برده شد، همان که قبله نخست مسلمانان و سومین حرم شریف است. از بحر تا نهرش، ملک امت محمد صلی الله علیه وسلم است.

در تاریخ، فلسطین سرزمین فتح صحابه و راشدین، آزادسازی صالحان و ملاحم مجاهدان است. در آن صلیبیان درهم شکسته شدند و در آن الله سبحانه و تعالی تاتار را نابود کرد. این سرزمین بی‌تردید باز خواهد گشت؛ نه به عنوان «قضیه سازمان»، بلکه قضیه امت واحد. امتی که لشکریانش از هر سو بر آن وارد می‌شوند، اثر اشغال‌گران را محو می‌کنند و خائنانش را به محاکمه می‌کشند، و آنگاه بار دیگر غرور دار اسلام خواهد بود. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (۱۰۵) إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾ [انبیاء: ۱۰۵-۱۰۶]

ترجمه: ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب (انبیای پیشین) نوشته‌ایم که بی‌گمان (سراسر روی) زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد (و آن را به دست خواهند گرفت). این (سخن برای مفهوم قانون زندگی دنیوی، و آگاهی از سرنوشت حیات اخروی)، مردمان عبادت‌پیشه را کافی و بسنده است.

دفتر مطبوعاتی حزب التحرير - فلسطین